





# اصطلاحات سياسي

### تربیت سیاسی(Instruction)تربیت سیاسی

آماده کردن فرد برای مشارکت فعال در زندگی سیاسی و پذیرفتن مسوولیت در جامعه، آشنا کردن شخص با حقوق فر دی و اجتماعی، نظام ها و فلسفه ها و اندیشه های سیاسی، نقش سیاست در زند گی اجتماعی، مسایل سیاسی روز موقعیت و پایگاهش در کشور و صحنه ی بین المللی. تربیت درست سیاسی هم موجب سعادت و همبستگی ملی و هم تفاهم بین المللی می شود.

### آزادی مثبتPositive freedom

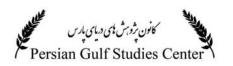
کمال بر سانند .

- آزادی برای انجام کار نیک که جو هر سنت فلسفی ایده آلیسم یا آرمان گرایی است .
- -2از میان برداشتن اجبار و انجام هر کاری را به اختیار انسان گذاشتن به خودی خود،کمک برای آزادی نیست. آرمان آزادی واقعی آن است که بیشترین امکان برای تمام اعضای جامعه، مسوولیت برابر تامین گردد تا خود را به

#### نظام چند حزبی multiparty system

نظام سیاسی که در آن، تعداد زیادی از احزاب سیاسی مشتر کا برای به دست گرفتن حکومت اقدام می کند و وقتی حزبی پیروز شد، می کوشد تا به کمک چند حزب دیگر و با رعایت نظر آنها، اکثریت لازم را کسب و نقشه های خود را عملی کند، مثل وضعی که در ایتالیا وجود دارد. نظام سیاسی با حزب مسلط نیز معمولا در نظام های سیاسی چند حزب پیش می آید که چندین حزب در کشور فعالیت می کنند؛ اما اغلب این احزاب، کوچک و کم عضو اند و در برابر این احزاب کوچک، یک حزب بزرگ وجود دارد که به تنهایی قادر است اکثریت نسبی آرا را در کشور کسب کرده و زمام امور را به دست گیرد، مثل وضع حزب کنگره در هند.







### چند فر هنگ گرایی؛ سیاست چند فر هنگی؛ آبین تعدد فر هنگ هاMulticulturalism

این واژه بیانگر تلاش هایی است که در بسیار از کشور ها برای خاتمه دادن به اختلافات بین فرهنگ اکثریت و فرهنگ های گوناگون فرهنگ های متنوع متمایز گروه های اقلیت صورت می گیرد. بر اساس سیاست چند فرهنگی، فرهنگ های گوناگون مثل نقش و نگار های موزاییکی در کنار هم قرار می گیرند به نحوی که هیچ اقلیتی مجبور نیست عناصر فرهنگی خود را کنار بگذارد یا از یاد ببرد.

### سرمایه داری انحصاری Monopoly Capitalism

تمرکز سرمایه های بزرگ، از بین رفتن رقابت آزاد و طرد یا نابودی واحد های کوچک صنعتی و تولیدی به وسیله ی واحد های بزرگ، موجب تبدیل سرمایه داری توأم با رقابت آزاد به سرمایه داری انحصاری می شود که وجه مشخصه ی امپریالیزم است .

### اراده ی عمومی؛ خواست همگانی General will

واژه ای که روسو برای تمیز اراده ی عامه (اراده ی جامعه از جنبه ی سیاسی) از اراده ی اکثریت، فرد، چندفرد و یا یک طبقه بر این و یا آن مورد، به کار برد. به نظر ژان ژاک روسو، برای این که دولت خصیصه ی اساسی خود یعنی خصیصه ی اخلاقی را حفظ نماید، باید متکی بر اراده ی عمومی، یعنی بر رضایت افرادی باشد که بر آن ها حکومت می کند. اراده ی عمومی، غیر قابل تقسیم و غیر قابل انتقال و مطلق و خطا نایذیر است.

# قوم مداری؛ قوم پرستی؛ خود مرکزی قومی Ethnocentrism

قوم خود را مرکز جهان دانستن یا هنجار های فرهنگ جامعه ی خود را مطلق و بی چون و چرا پنداشتن و به جوامع دیگر که هنجار های متفاوتی دارند، با تحقیر نگریستن. قوم مداری یا خود مرکزی قومی باعث ایجاد عقاید قالبی، عدم تفاهم و کشمکش بین جوامع می شود. این واژه را ویلیام گراهام سامنر ( 1910- 1840) جامعه شناس امریکایی وارد فرهنگ اجتماعی کرد و از نظر او دیدگاهی است که بر اساس آن، گروه خودی، محور و مرکز همه چیز است و همه چیز با توجه بدان مورد ارزیابی و سنجش قرار می گیرد.







### خاورمیانه ی جدیدNew middle east

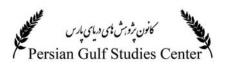
اندیشه ای که در سال 1993 توسط "پرز" وزیر امور خارجه ی اسرابیل و در کتابی به همین نام مطرح شد. اهداف طرح خاور میانه ی جدید را می توان به شرح زیر خلاصه کرد:

تفوق اسرابیل بر جهان عرب به عنوان رژیمی که از قدرت برتر اقتصادی و نظامی در برابر اعراب برخوردار است و تحمیل سلطه ی اقتصادی و امنیتی بر دنیای اسلام، نقش اسرابیل به عنوان پل عبور شرکت های انتفاعی امریکایی و اروپایی به سراسر دنیای اسلام؛ تضمین سلطه ی ایالات متحده ی امریکا بر تمام گذرگاه های واقع در خلیج فارس تا دریای مدیترانه و اقیا نوس هند و در یای سیال؛ تغییر دادن فرهنگ و عقاید اعراب در جهت به رسمیت شناختن موجودیت اسراییل؛ ایجاد گروه بندی های جدید در برابر گروه بندی های عربی؛ ایجاد تغییر در عهد نامه های منطقه و عقد قرار داده های دو جانبه ی تازه بین کشور های عربی و اسراییل.

# رجاله سالارى؛ حكومت فرومايگان؛ غوغا سالارى monocracy

حکومتی که غالبا در خلال بحران ها، شورش ها و تحولات به طور موقت تشکیل می شود و اداره ی امور جامعه به دست مردم جاهل ، حقیر و بی اطلاع می افتد. مردمی که نه تابع عقل و خرد، بلکه دست خوش احساسات هستند و در نهایت درجه ی تلقین پذیری قرار دارند و برای رسیدن به هدف خود خشونت می ورزند. در دوران حکومت جاهلان و مردم بی سر و پا، اشخاص شایسته و کار دان از فعالیت های سیاسی و اجتماعی دور می شوند. یکی از شا عران عرب جاهلی به نام افوه شعری بدین مضمون سروده است: "مردم صلاح نپذیرنده که در حرج و مرج باشند و یا سرور و راه نمایی در میان نخواهد بود اگر جاهلان سرور یابند ". گاهی نیز در اثر شکست و راه نمایی نداشته باشند، و سرور راه نمایی در میان نخواهد بود اگر جاهلان سرور یابند ". گاهی نیز در اثر شکست نیروهای انقلابی و موفقیت ارتجاع و ضعیف شدن اقشار مترقی جامعه ، شرایط مساعدی برای یکه تازی اشخاص بی شخصیت به وجود می آید که در راس امور قرار می گیرند و در سیر حوادث و تاریخ تاثیر می گذارند. از آن جا که فرو مایگان نمی توانند رجال بزرگ به تاریخ عرضه کنند، به اشخاص مکار، عوام فریب و یا بی رحم متوسل می شوند که قادر اند برای مدتی به منافع آن ها خدمت کنند.







# آپولیتیسم؛ سیاست گریزی؛ بی طرفی در سیاست(apoliticism

واژه ی فرانسوی به معنای لاقیدی نسبت به سیاست و مسایل اجتماعی ومیهنی، خودداری از شرکت در جریانات سیاسی وامتناع از اتخاذ مشی روشن سیاسی. بی طرفی نسبت به امور سیاسی از عدم آموزش وآگاهی سیاسی ناشی می شود. ادعای بی طرفی در سیاست، ادعایی است ضد میهن دوستی. زیرا میهن دوستی از دخالت فعال در سیاست جدا نیست. میهن دوست ، طرف و هدف دارد و نمی تواند نسبت به جریانات سیاسی بی طرف بماند واین طرف و هدف ، نجات و سعادت مردم است. در هم آمیختن دانش، فرهنگ واخلاق سیاسی با بازیگری های سیاسی یکی از عوامل سیاست گریزی است.

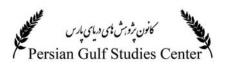
### طاق بحران؛ هلال بحران (Arc of crisis)

برژینسکی مشاور امنیت ملی حکومت کارتر در سال1979 از یک طاق بحران نام برده است که از شاخ آفریقا و مصر تا هند امتداد دارد. به اعتقاد وی، سرنگونی رژیم محمد رضاشاه، روی کمانه ی شمالی این طاق بحران، یعنی ایران، ترکیه، پاکستان و افغانستان (کشور هایی که بین شوروی سابق منطقه ی اقیانوس هند و خلیج فارس قرار گرفته اند) تأثیر می گذارد که خود باعث اتخاذ تصمیمات مهم در سیاست خارجی امریکا می گردد: مثل کوشش برای و ادار کردن مصر و اسراییل به نزدیکی هرچه بیشتر و تقویت پیوند های نظامی میان پاکستان، ترکیه، یمن (شمالی) و دیگر کشور های عربی ضد شوروی سابق به منظور توسعه ی الگوی همکاری منطقه ای.

# آتلانتیک گرایی (Atlantism)

اصلاح ژئوپولیتیکی که از جنبه ی تاریخی وجغرافیایی به بخش غربی تمدن جهان، از جنبه ی نظامی – راهبردی به کشورهای عضو سازمان پیمان اتلانتیک شمالی ( ناتو ) ودر درجه ی اول به ایالات متحده ی امریکا، از جنبه ی فرهنگی به شبکه ی خبری واطلاعاتی امپراتوری ها- رسانه های غربی، از جنبه ی اقتصادی- اجتماعی به نظام بازار به عنوان شکل مطلق زندگی اقتصادی گرایش دارد. هدف اتلانتیک گرایان، راهبرندگان تمدن غرب و پیروان آن ها در کشورهای دیگر جهان، قرار دادن نوع بشر تحت کنترول اجتماعی ، اقتصادی والگوهای فرهنگی تمدن غربی است. آن ها سازندگان نظام نوین جهانی شمرده می شوند که در آن، یک اقلیت ثروتمند جمعیت کره ی زمین از همه ی امکانات ومواهب بهره می برند که به بیلیون طلایی golden billion معروف اند.







### أتاشه؛ وابسته(Attache)

عنوان وابسته به پایین ترین مقام در اعضای یک ماموریت دیپلماتیک اطلاق می گردد. ولی اغلب برای انجام وظایفی خارج از امور ساده ی دیپلماتیک نیز عنوان وابسته داده می شود. که در این صورت، وظایف خاص آن ها بعد از عنوان وابسته ذکر می شود: مثل وابسته ی نظامی، وابسته ی فرهنگی، وابسته ی بازرگانی، وابسته ی مطبوعاتی.

اقتدار طلبی؛ قدرت گرایی؛ استبداد طلبی؛ فرمان پرستی؛ مرجع باوری(Authoritarianism)

-1 آیین مبتنی بر هواداری از سرسپردگی محض به مرجع اقتدار و مخالفت با آزادی فرد.

-2حکومتی که درآن، آزادی فردی به طور کامل تحت الشعاع قدرت دولت که معمولاً در گروه کوچکی از پیشوایان یا متنفذان متمرکز است، قرار گیرد.

-3شیوه ای در اداره و حکومت که به موجب آن ، کارها بیشتر از روی دستورات بی چون و چرا و تهدید به مجازات صورت می گیرد و در آن از مشورت و اقناع افراد اثری نیست.

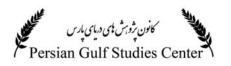
رژیم سلطه طلب؛ حکومت اقتدار طلب(government و duthoritarian Regime ( government

رژیمی که درآن، قدرت در دست یک رهبر یا گروهی از برگزیدگان خودکامه متمرکز است. استقرار رژیم سلطه طلب، پاسخ سرمایه داری به جنبش انقلابی توده ها است در شرایطی که تعادل قدرت در پارلمان و دیگر نهاد های سیاسی به سرعت در حال تغییر به ضرر سرمایه داری است.

ویژگی های رژیم های سلطه طلب به شرح زیر است: افزایش ناگهانی قدرت رییس دولت که عملا کارکرد های رییس حکومت را نیز اعمال می کند؛ سلب حقوق واختیارات پارلمان؛ تضعیف نهاد های مبارزه وفشار اجتماعی که می توانستند برسیاست حکومتی اعمال نفوذ کنند؛ تغییر وتطبیق نظام انتخاباتی با نیاز های رژیم مبتنی برقدرت شخصی ، استفاده از رفراندوم به منظور ایجاد این تو هم که بین مردم و رییس دولت یگانگی وجود دارد.

شست و شوی مغزی؛ مغزشویی Brain Washing







-1رخنه دادن سیستم های فکری غلط به ظاهر مستدل به سود مقاصد معین در مغزها.2- ترغیب مردم برای تغییر گرایش ها و رفتار آن ها در جهات خاص که از طریق اشکال مختلف فشار اجتماعی انجام می گیرد. 3- روشی که به وسیله ی آن و از طریق اعمال تدابیر و کارهای مختلف، افکار و عقاید فرد را زایل وافکار و عقاید دیگری جایگزین آن می کنند. این عمل ظاهرا با محروم ساختن فرد از همه ی چیزهایی که وسیله ی راحتی و رفاه او می باشد، صورت می گیرد. معمولا فرد را در شرایط نامساعد روحی و جسمی قرار می دهند، از تماس با دیگران محروم می سازند و مرتبا از او بازجویی می کنند و بالاخره به وی پیشنهاد می کنند که اراده ی خود را تابع اراده ی باز داشت کنندگانش قرار دهد تا از آسایش برخوردار شود.

# بروکراسی یا کاغذبازی اداری (Bureaucratism)

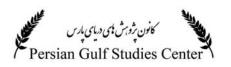
-1رعایت تشریفات اداری به حد افراط یا نظام حکومتی که دارای قدرت دایمی است و به دگرگونی های سیاسی و افکار عمومی توجهی ندارد.2- شیوه ی اداره ی حکومت برمردم از جانب کسانی که از مردم به دور اند و تمایل به گسترش قدرت و عریض وطویل کردن دستگاه اداری به منظور افزایش کنترول بر جنبه های هرچه بیشتر زندگی اجتماعی دارند.

### دکترین بوش Bush doctrine

بعد از حملات 11 سپتمبر 2001 امریکا، کابینه ی جورج بوش رییس جمهور امریکا سندی را تحت عنوان استراتژی امنیت ملی ایالات متحده ی امریکا برای تصویب به کنگره فرستاد. در این سند، سه اصل سیاست راهبردی امریکا در جهان به شرح زیر بیان شد که به دکترین بوش معروف است: 1- حفظ و تامین بر تری نظامی امریکا در جهان یه شرح زیر بیان شد که به دکترین بوش معروف است: 1- مفظ و تامین بر تری نظامی امریکا در جهان که برای امنیت در جهان که برای امنیت و منافع ملی امریکا یا متحدان و دوستان آن خطرناک باشد. 3- معافیت امریکاییان در خارج از امریکا از هر نوع محاکمه توسط دیوان بین المللی کیفری .

جور ج بوش اعتقاد دارد که کشور های دنیا دودسته اند: 1- کشور هایی که در «جبهه ی خیر» قرار دارند. 2- کشور هایی که در «جبهه ی شر» قرار دارند. به نظر بوش، وظیفه ی امریکا به عنوان ر هبر جبهه ی خیر آن است که از قدرت خود برای دفاع از منافع ملی امریکا و شکست جبهه ی شر استفاده کند. این دیدگاه مذهبی موجب شده که در داخل گمان کنند امریکا هدف های امپریالیستی را دنبال نمی کند؛ بلکه در جهت تحقق ماموریت الهی عمل می کند. در







هرصورت ، این نگرش مذهبی باعث شده که بوش درتمام سخنرانی های خود، چارچوب های مذهبی را برای توجیه و تفسیر هدف های خارجی خود مورد استفاده قرار دهد. به نظر فیلسوف معروف، یورگن هابرماس، دکترین بوش که به عنوان مبارزه و جنگ علیه ترور به اجرا در آمده است، درمقایسه با سیاست های صریح سلطه طلبانه، دارای هیچ مزیتی نیست و نمی توان از آن، مشروع بودن پیروزی قدرت سلطه طلب را نتیجه گرفت. این گونه سیاست های تامین برتری وسیادت، خاص امپراتوری های قدیم جهان بوده است.

کاپیتو لاسیون؛ امتیازات ویژه ی بیگانگان؛ امتیازات برون مرزی؛ حق قضاوت کنسولی Capitulations وضع ناشی از قرارداد هایی که دولت های قدرتمند واستعمارگر، به ویژه در قرن نوزدهم میلادی بر دولت های ضعیف تحمیل می کردند. به موجب قراردادهای مزبور، اتباع دولت های استعمارگر بعد از ورود به قلمرو دولت ضعیف، تحت حاکمیت محاکم دولت های متبوع خود باقی می ماندند و محاکم دولت ضعیف، حق محاکمه ی آن ها را نداشتند. این گونه قرارداد ها را معمولا دولت های اروپایی بر دولت های افریقایی وآسیایی تحمیل می کردند، به این بهانه که محاکم وسازمان های دولت های افریقایی وآسیایی از اجرای عدالت ودفاع از حقوق اتباع آن ها عاجز اند. یاقرارداد هایی است که بر اساس آن، اتباع یک دولت در قلمرو دولت دیگر از لحاظ امور حقوقی و جزایی تابع قوانین کشور خود می باشند و آن قوانین را کنسول آن دولت در محل به مورد اجرا می گذارد.

#### دکترین کارتر Carter Doctrine

پیشنهاد های پرزیدنت جیمزکارتر در باره ی استراتری ایالات متحده ی امریکا در منطقه ی خلیج فارس در سال 1980 ارائه شد: 1- هر گونه کوششی که به منظور تسلط بر منطقه ی خلیج فارس از سوی هر کشور خارجی انجام گیرد، به مثابه ی حمله بر منافع حیاتی ایالات متحده ی امریکا به حساب می آید و با همه ی وسایل از جمله وسایل نظامی به مقابله با آن اقدام می شود. 2- تقویت مقاومت های ضد شوروی (سابق) در منطقه وکشور های کلیدی چون پاکستان وایران و همچنین همکاری با چین برای بهبود امنیت پاکستان. 3- افزایش توانایی امریکا برای پاسخ نظامی سریع درصورت حمله ی شوروی (سابق). 4- زنده نگاه داشتن مساله ی افغانستان در راه حفظ مقاومت و در همان حال، کوشش برای جلب تمایل شوروی (سابق) به اعاده ی بی طرفی افغانستان. 5- شرکت دادن هند در فعالیت های دیپلماتیک برای حل مشکل افغانستان وایجاد شرایطی که منتهی به کاهش تنش بین پاکستان و هند شود. 6-کمک به افزایش آگاهی های سیاسی بین مسلمانان شوروی (سابق) که یک عامل باز دارنده ی شوروی (سابق) برای جلب ملت







های مسلمان است.

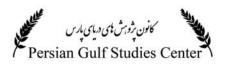
### سيا سازمان مركزى اطلاعات (central intelligence agency) سيا سازمان مركزى اطلاعات

نام اختصاری سازمان مرکزی اطلاعات و جاسوسی ایالات متحده ی امریکا است که در سال 1947 به و جود آمد . شبکه ی و سیع و گسترده ی این سازمان به خاطر عملیات جاسوسی و بر اندازی توطئه گری تر و ریستی در جهان و به ویژه در کشور های جهان سوم شهرت دارد. بودجه ی سری سال 1997 سیا را حدود 30 میلیارد دالر تخمین زده اند که ظاهرا بخش عمده ی آن صرف هزینه های مربوط به تهیه ی اطلاعات ماهواره ای وگزارش های نظامی شده است. سیا اخیرا به استخدام کار شناسانی علاقه نشان داده که قادر اند به دقت تصاویر ماهواره ای را بخوانند و یا داده های اقتصادی را تحلیل نمایند. حجم فعالیت های سیا در دوران پس از جنگ سرد نه تنها کاهش نیافته ، بلکه زمینه های تازه ای نیز به حوزه ی فعالیت های سنتی آن اضافه شده است. استراتژیست های نظامی دولت ، پنتاگون وسازمان سیا تنظیم سیاست خارجی امریکا را به عهده گرفته اند تا نظام نوین جهانی مورد نظر را محقق سازند. آن ها نه تنها با ناتو ، بلکه بار هبران صندوق بین المللی پول، در ارتباط تنگاتنگ با و ال استریت و صاحبان مجتمع های نظامی — صنعتی ونفتی امریکا قرار دارند و دکترین مداوای اقتصادی کشور های در حال توسعه و جمهوری های نظامی — صنعتی ونفتی امریکا قرار دارند و دکترین مداوای اقتصادی کشور های در حال توسعه و جمهوری های نظامی سابق شوروی را دیکته می کنند.

### جامعه ی مدنی (Civil Society)

واژه ی رایج درقرن 18 که بعد از معرفی وتوضیح نظریه ی «قرار داد اجتماعی» وارد اندیشه ی سیاسی شد. جامعه ی مدنی دلالت بر وضعی از جامعه دارد که در آن انسان از «حالت طبیعی» (یعنی پیش از گردن نهادن به قدرت وحکومت وقانون) خارج شد و با دست کشیدن از آزادی های طبیعی و عمل آزادانه، به دولت وقانون گردن نهاد. هگل(1770-1831) فیلسوف آلمانی جامعه را به مدنی وسیاسی تقسیم می کرد و اولی را مرکب از شهرها وگروه های گوناگون به حرفه های مختلف آن ها می دانست واز جامعه ی سیاسی، دولت و دستگاه اداری آن را در نظر داشت وآن را محصول تأثیر متقابل اجزای تشکیل دهنده ی جامعه ی مدنی می پنداشت. مارکس، جامعه ی مدنی را در ارتباط با اقتصاد سیاسی بررسی کرده است. بعضی از متفکران قرن 18، مثل آدام اسمیت، جامعه ی مدنی را مترادف جامعه ی مدنی و نظریه سیاسی، جامعه ی مدنی را مترادف شمرده اند. کوهن و آراتو درسال 1992 در کتاب جامعه ی مدنی و نظریه سیاسی، جامعه ی مدنی را شامل ابعاد زیر دانسته اند: 1- وجود خانواده، گروه های غیر رسمی، مجامع و انجمن های داوطلبانه. 2- وجود







نهادهای ارتباطی و فرهنگی. 3- و جود آزادی های فردی، ساختار های قانونی و تعیین حد فاصل امنیت و حرمت عرصه ها ی زندگی خصوصی و عمومی. به نظر آن ها، فعالان در جامعه ی مدنی سعی می کنند نظام سیاسی را به وسیله ی جامعه ی سیاسی ( احزاب و سازمان های سیاسی، گروه های ذینفع و نهاد های پارلمانی) تحت تاثیر قرار دهند. اکنون استفاه از اصطلاح جامعه ی مدنی ( که می توان آن را مترادف جامعه ی بورژوایی دانست) اشاره به مجموعه ای از نهاد ها و انجمن های ( مستقل و غیر حکومتی) است که فاصله و یافضای بین مردم و حکومت را پرکنند.

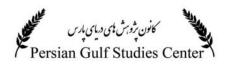
# برخورد تمدن ها(Clash of civilizations)

عنوان نظریه ای است که درسال 1993 توسط سامویل هانتینگتون استاد علوم سیاسی دانشگاه هار وارد مطرح شد. اولین نقطه ای که او یادآوری نموده ، به پایان رسیدن جنگ ایدئولوژی ها، به ویژه با فروپاشی شور وی در اوایل دهه ی 1990 است. نقطه ی دوم نظریه وی ، تضعیف ناسیونالیزم یا دومین نیروی مهمی است که تعیین کننده ی برخورد های 1590 سال گذشته بوده است. سومین نکته ی او آن است که نوعی احیای جدید ناسیونالیزم وجود دارد که بیشتر در قالب تمدن های بزرگی است که تاکنون حاکم بر تاریخ بوده است و فر هنگ و دین مهمترین عناصر آن ها شمرده می شود. به نظر وی، در آینده آنچه که در عرصه ی بر خورد بین مردم جهان خواهد بود، واحد های بزرگ تمدن است. به عقیده ی هانتینگتون، چند تمدن بزرگ در دینا وجود دارد: تمدن غربی در حوزه ها ی اروپا و امریکای شمالی، تمدن اسلامی از شمال افریقا تا جنوب فیلیپین، تمدن چین و خاور دور یا تمدن کنفوسیوسی، تمدن جاپان، تمدن هندو، تمدن روس- ار تودوکس، تمدن افریقا. به نظر او، اصولا دنیا به سوی تمدن واحد پیش نمی رود، امکان بر خور د بین این تمدن ها وجود دارد و جلوگیری از چنین بر خور دی نیز امکان ندارد. وی همچنین به احتمال نزدیکی یا اتحاد تمدن های اسلامی وکنفوسیوسی و بر خورد آن ها با تمدن غربی اشاره کر ده و هشدار داده است. اخیرا در بر ایر این نظریه «گفتگوی تمدن های مطرح شده که بیانگر لزوم نزدیکی تمدن ها وفر هنگ های مختلف جهان است.

# واژه استراتژي (Strategy)

که اکنون در زبان فارسی از آن به «راهبرد» تعبیر می شود مفهومی است که از عرصه نظامی نشأت گرفته و بعداً در سایر عرصه ها از جمله اقتصاد، تجارت و به ویژه عرصه سیاست و مملکت داری از کاربرد زیادی برخوردار

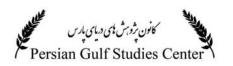






شده است. ریشه واژه «استراتژي» واژه یونانی «استراتژیا (Strategia) «به معنای «فرماندهی و رهبري» است. اکنون معنای ساده استراتژی عبارت است از یك طرح عملیاتی به منظور هماهنگی و سازماندهی اقدامات برای دستیابی به هدف در عرصه نظامی استراتژی عموماً به نقل و انتقال نیروها در پشت جبهه جنگ و در جبهه قبل از درگیر شدن با دشمن است. وقتی که نیروهای نظامی در جبهه با نیروهای دشمن درگیر می شوند این دیگر تاکتیك است و نه استراتژي. در دوران گذشته به ویژه در عصر جنگ های ناپلئونی تمایز آشکاری بین استراتژی و تاکتیك وجود داشت و استراتژی به آنچه در پشت جبهه می گذشت مربوط و تاکتیك به هدایت جنگ در عرصه نبرد.از ابتدای قرن بیستم با ظهور واژه خط مشی و سیاست ملی استراتژی در جایگاهی بین تاکتیك و سیاست ملی قرار گرفت. این وضعیت موجب شد تا تعاریف سیاست ملی، استراتژی و تاکتیك در دوران جنگ جهانی اول که از گستردگی زیادی برخوردار بود و کشورهای درگیر مجبور به نبرد در چند جبهه بودند ناکارا جلوه کند. در پاسخ به این امر واژه و مفهوم جدیدی یعنی واژه «استراتژی کلان grand strategy ظهور کرد که در واقع به نوعی ترکیب مفهوم استراتژی و سیاست ملی بود. استراتژی کلان مفهومی بود که در چارچوب آن استراتژی های بخشی همچون استراتژی نظامی، استراتژی اقتصادی، استراتژی سیاسی و استراتژی تجارت کشور قرار می گرفت مفهوم استراتژی در عرصه سیاست از کاربرد زیادی برخوردار است. کارل فون کلازوتیز که از استراتژیست های بزرگ جهان بوده گفته است جنگ ادامه سیاست به شیوه های دیگر است. بر همین اساس در گذشته وقتی سیاست تبدیل به شیوه های نظامی شد و استراتژی لقب می یافت بعداً خود واژه استراتژی برای برنامه سیاسی کلان کشور مورد استفاده قرار گرفت امروزه علاوه بر فرماندهان نظامی و سیاستمداران، دست اندرکاران امور تجاری، اقتصاددانان، کارفرمایان عرصه صنعت نیز دارای استراتژی هستند. حتی افراد عادی نیز در زندگی روزانه خود از استراتژی های مختلف همچون کاهش هزینه، کاهش وزن و ... سخن می گویند. البته در اینجا استراتژی به مفهوم هدف نیست بلکه اقدامات و برنامه هایی برای نیل به اهداف از قبل تعیین شده، می باشد. استراتژی چگونگی دستیابی به اهداف را مشخص می کند و به این که اهداف چه چیز هستند یا چه باید باشند یا چگونه باید تعیین شوند کاری ندارد.در واقع استراتژی یك عنصر در یك ساختار چهار بخش است: اولین بخش اهدافی كه باید به آنها دست یافت می باشد. دومین بخش استراتژی های موردنظر برای دستیابی به آن اهداف چگونگی تخصیص منابع برای این منظور است. سومین بخش تاکتیك ها به مفهوم استفاده عملي از منابع اختصاص یافته مي باشد. سومين بخش خود منابع و راه ها و روش ها هستند. بر اين اساس استراتژی معمولاً شکاف بین اهداف و تاکتیك ها را پر می كند .







# (Apartheide)آپارتاید

این واژه انگلیسی یکی از اشکال وحشیانه تبعیض نژادی را بیان می کند و در اصل عبارتست از سیاست تبعیض که نژادپرستان کشور جمهوری آفریقای جنوبی علیه اکثریت سیاهپوست بومی و هندیان آن کشور اعمال می کنند. از نظر لغوی به معنای مجزا و جدا نگهداشتن است .آپارتاید یعنی جدا نگه داشتن افراد متعلق به نژادهای غیرسفید، مجبور کردن آن ها از کلیه حقوق سیاسی وامکان تحصیل

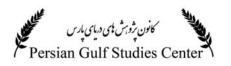
و پیشرفت در مناطقی که سیاهپوستان مجبور به اقامت در آن می شوند و حق خروج از آن را ندارند حداقل امکانات زندگی نیز موجود نیست بر اثر مبارزه مردم و همچنین اقدامات دول سوسیالیستی و دول کشورهای آسیایی و آفریقایی، رسمًا آپارتاید غیر قانونی شناخته شده و سازمان ملل متحد قطعنامه های چندی علیه آن تصویب کرده و آپارتاید را نقض صریح و خشن حقوق بشر دانسته است ولی بر اثر سیاست دول امپریالیستی که خود ریشه و سرچشمه نژادپرستی و استثمار و نو استثمار هستند همچنان این شیوه ضد انسانی و خشن تبعیض نژادی حکم فرماست.

# (Apolitisme )آپولیتیسم

یعنی روش لاقیدانه نسبت به سیاست و خودداری از شرکت در جریان سیاسی، از داشتن مشی صریح سیاسی این با مفهوم نفی ترکیب شده است . لاقیدی و بی اعتنایی نسبت به آ واژه از ریشه پولیتیک به معنای سیاست و پیشوند حیات سیاسی و احتزار از آن عمدًا در رژیم های غیر مردمی بین عموم مردم رواج داده می شود . عدم شرکت در امور

سیاسی و عدم توجه به حیات اجتماعی و سیاسی ناشی از آنست که زمامداران سعی می کنند با همه وسائل توده ها را از عقب ماندگی ایدئولوژیک نگاهدارند و توجه آن ها را از مسائل میهن و اجتماع خود به مطالب به کلی فرعی و زندگی روزمره و مسائل شخصی منحرف سازند .یک علت دیگر آپولیتیسم یعنی روش لاقیدانه نسبت به سیاست همچنین سرخوردگی برخی اقشار از سیاست دول و احزاب و وعده های توخالی آن ها و سپس عمل نکردن آن هاست . این روش همچنین از طریق اعمال فشار به شکل ممنوع کردن شرکت در سیاست برای اقشار خاص اجتماعی به زور اجرا می شود .لاقیدی نسبت به سیاست و مسائل میهنی و طبقاتی و اجتماعی کاملا به سود محافل زمامدار مرتجع ضد خلقی است .زیرا زحمتکشان را از نبرد به خاطر خواست های خود، از مبارزه طبقاتی از شرکت در تعیین سرنوشت







خود دور می کند .در حقیقت نمی توان در جامعه زندگی کرد و در سیاست مداخله نداشت .عدم توجه به امور سیاسی خود کمک به سیاست محافل حاکمه ضد خلقی است و عم ً لا به یک سیاست مضر، به یک سیاست بد، به یک سیاست ارتجاعی مبدل می شود.

### (Sainte alliance) اتحاد مقدس

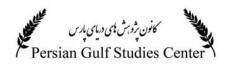
این یک اصطلاح رایج در مباحث اجتماعی و سیاسی است و مقصود آن دسته بندی و ساخت و پاخت گروهی برای اجرای سیاست در جهت خلاف مصالح ملی و ترقی خواهانه است . مثلا می گوییم امپریالیست های آمریکایی و انگلیسی و جانبداران آن ها در این ناحیه می خواهند اتحاد مقدس درخلیج فارس علیه نهضت های آزادیبخش ملی خاورمیانه و نزدیک ایجاد کنند یا می گوییم کودتای ۲۸ مرداد را اتحاد مقدس ارتجاع داخلی کشور ما و امپریالیست های آمریکایی و انگلیسی دارای آن مفهوم مقدس و سازمان های جاسوسی آن ها براه انداخت .از این مثال ها معلوم می شود که در اینجا کلمه مقدس و پاک نیست بلکه بر عکس ناپاکی زد و بند و ارتجاعی بودن دسته بندی را می رساند .علت رواج این اصطلاح را نام سازمانی بود که پس از سقوط ناپلئون اتحاد مقدس در تاریخ اوایل قرن گذشته باید جستجو کرد.

# (Reaction )ارتجاع

در مفهوم سیاسی این واژه به معنای مخالفت با پیشرفت اجتماعی به معنای مبارزه طبقات و اقشار در حال نابودی و زوال علیه جامعه است. سیر جبری تاریخ و مبارزه توده ها جوامع بشری را به سوی رشد و ترقی می برد و اقشار و طبقاتی را که صاحب امتیازات مربوطه هستند و با سیر آنی جامعه مخالفند ومایلند وضع موجود را حفظ کنند به نابودی حتمی محکوم می کند.

چنین است نابودی برده داران و سپس فئودال ها و سپس سرمایه داران هر یک در دوران تاریخی معین خود مطابق با سطح رشد نیروهای تولیدی اما این طبقات برای حفظ منافع استثمار گرانه خود، برای حفظ امتیازات و موجودیت خود، با ترقی جامعه در تضاد واقع می شوند و با پیشرفت اجتماعی مخالفت می ورزند مظهر آن مناسبات تولیدی فرسوده ای می شوند که به سدی در راه تکامل جامعه بدل شده است بنابر این ارتجاع یعنی دفاع از نظام فرسوده و محکوم به نابودی، یعنی مخالفت با ترقی و بیشرفت.







ارتجاع گاه به شکل جبر و اختناق خونین و ترور جمعی توده مردم جلوه گرمی شود .گاه در سیمای افکار و عقاید پوسیده و کهنه با تکیه بر عادات و عقب ماندگی های فرهنگی علیه اندیشه های ترقی خواهانه مبارزه می کند .ارتجاع به شکل تشدید ستم بر عموم مردم زحمتکش از نظر اقتصادی و سیاسی و بر ملت هایی که از حقوق خود محروم شده اند و یا به شکل سرکوب نهضت انقلابی که جامعه را به جلومی راند تظاهر می کند .در عصر امپریالیسم در کشورهای جلو افتاده از نظر صنعتی، فاشیسم و میلیتاریسم جلوه های ارتجاع هستند .مرتجع به کسی می گویند که روش خصمانه ای با هر چه مترقی، نو، بالنده و پیشرو است داشته باشد و برای حفظ یا احیاء مجدد نظام فرسوده و پوسیده یا افکار کهنه و عقب مانده کوشش نماید.

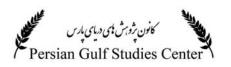
# (Aristocratie) آریستوکراسی

این واژه به معنای اشرافیت است و معمولا آن قشر و دسته ای را نشان می دهد که دارای امتیازات فراوان هستند. از ثروت و نفوذ برخوردارند، صاحب مقامات عالیه هستند و چه بسا که به اصل و نسب خود نیز برای حفظ این امتیازات می بالند .در اصل واژه آریستوکراسی، آن قشر بالایی در پایان جامعه کمون اولیه را معین می کرد که صاحب درآمد و ثروت شده یا از اعقاب سران قبیله و فرماندهان و سایر صاحبان نفوذ بودند .لذا آریستوکراسی یا اشرافیت در دوران جوامع دودمانی پدر شاهی پدید می شود .در جامعه برده داری واژه آریستوکراسی مخصوص ثروتمندترین خانواده های برده دار و صاحب اراضی وسیع بود .در جامعه فئودالی آریستوکرات به اشراف صاحب زمین های فراوان و درباریان متنفذ، اعیان و صاحبان مقامات عالی در دستگاه دولتی می گفتند که همه این امتیازات نیز ارثی بود .نخستین انقلابات بورژوازی منجمله علیه آریستوکراسی متوجه بود که در بعضی کشورها دست آن ها را از قدرت سیاسی کوتاه کرده و در بسیاری دیگر و طبقه استثمارگر بورژوازی و فئودال های آریستوکرات به توافق و تفاهم رسیدند و در حکومت شریک شدند .در جریان تکامل جامعه سرمایه داری بسیاری از آریستوکرات ها خود را باشرایط جدید تطبیق داده و همه به سرمایه داران بزرگ مبدل شدند.

### (Exploitation) استثمار

در مباحث اقتصادی و اجتماعی به معنای بهره کشی و معادل فارسی آن ثمر واژه استثمار از ریشه استفاده و بهره بردن از کار کسی دیگر است . معنای علمی استثمار چنین است :به دست آوردن مجانی محصول کار یک فرد از جانب فردی که صاحب خصوصی وسائل تولید است .در اصطلاح اقتصادی یعنی گرفتن محصول کار اضافی و





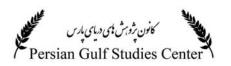


بعضی اوقات حتی قسمتی از کار لازم معمولا به هنگام به کار بردن این اصطلاح می گویند استثمار فرد از فرد . استثمار ویژه همه جوامعی است که در آن طبقات متخاصم وجود دارد .افراد یک طبقه، طبقه حاکم که صاحب وسائل تولید هستند افراد طبقات دیگر را مورد بهره کشی قرار داده و از ثمره رنج آن ها گنج بر می دارند .پس علت استثمار عبارتست از مالکیت خصوصی بر وسائل تولید ولی اشکال استثمار و ابسته است به خصلت آن مناسبات تولیدی که در جامعه حاکم است.بهره کشی از فرد دیگر ملازم با وجود بشر نیست و از آغاز پیدایش جامعه بشری موجود نبوده وجاودانی نیز نخواهد بود .

# (Colonisation)استعمار

استعمار عبارت است از سیاست دول امیریالیستی که هدفش برده کردن و بهره کشی از خلق های کشورهای دیگر، خلق های کشور های از نظر اقتصادی کم رشد است دول امپریالیستی برای تحکیم سیطره خویش مانع تکامل فنی و اقتصادی و فرهنگی این کشورها می شوند .البته در قرون گذشته یعنی قبل از پیدایش امپریالیسم نیز استعمار سرزمین های غیر وجود داشته ولی ما در تعریف خود به استعمار در قرن بیستم توجه کرده ایم که خود به شکل تقسیم سرزمین های جهان و ایجاد امپراطوری های مستعمراتی یکی از وجوه مشخصه دوران امپریالیستی است. مستعمره :یعنی سرزمینی فاقد استقلال سیاسی و اقتصادی که کاملا در همه شئون تابع دولت امپریالیستی استیلاگر است این دولت و انحصارات امیریالیستی آن از مستعمره به عنوان مواد خام و نیروی کار ارزان بازار فروش کالاها و عرصه سرمایه گذاری های پرسود و همچنین به مثابه پایگاه های نظامی و سوق الجیشی استفاده می کنند. سیستم مستعمراتی امپریالیستی چیست؟ در کنار مستعمرات، کشور های نیمه مستعمره و وابسته نیز وجود دارد که در شئون مختلف سیاسی یا اقتصادی دارای وابستگی ها و تابعیت های کم و یا زیاد نسبت به دول امیریالیستی هستند . عبارت یعنی مجموعه همه مستعمرات، نیمه مستعمره ها و ممالک وابسته که توسط امیریالیست / سیستم مستعمراتی امپریالیسم / ها مورد بهره کشی قرار گرفته و تحت سلطه آنان قرار دارند .این سیستم در مرحله انحصاری سرمایه داری به وجود آمد .در آغاز قرن کنونی چند کشور بزرگ امپریالیستی با توسل به نیروی ارتش و واحدهای مستعمراتی و لژیون های خارجی، تقسیم سرزمین های جهان را بین خود پایان داده بودند و از آن پس بارها برای نقسیم مجدد جهان و تسخیر مستعمرات جدید با یکدیگر به جنگ و ستیز برخاستند . با توجه به تاریخ بزرگترین کشور استعمار گر جهان انگلستان یا بریتانیای کبیر می باشد که با سیاست های فتنه انگیز خود در جهت چپاول منابع طبیعی و ملی دیگر کشور اقدام مینماید.







# (discipline et democratie) انضباط حزبی و دموکراسی حزبی

دموکراسی داخل حزبی یعنی اجرای دقیق و پیگیراصول مرکزیت دموکراتیک در احزاب ، دموکراسی داخلی حزب یعنی انتخابی بودن کلیه ارگان های رهبری حزب از پایین تا بالا، کارجمعی در کلیه این ارگان ها وظیفه ارگان های حزبی بدادن گزارش در مقابل سازمان های حزبی پیرامون فعالیت خود، استفاده از شیوه انتقاد و انتقاد از ود در داخل حزب، حق هر فرد حزب به شرکت در بحث آزاد و خلاق و سازنده در مجامع و جراید حزبی پیرامون مسائل مختلف سیاست حزب و شرکت در تدوین این سیاست.

دموکر اسی حزبی شرط تشدید فعالیت خلاق و مبتکر انه اعضاء حزب، و سیله تحکیم و حدت اصولی و انضباط آگاهانه حزبی است طرز اجرای دمکر اسی حزبی طبق موازینی که در اساسنامه حزب قید می شود تصریح می گردد.

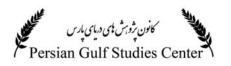
# (Revolution) انقلاب

انقلاب یك تحول كیفی و بنیادی، یك چرخش عظیم و اساسی در حیات جامعه است .معنای انقلاب در علم جامعه شناسی عبارتست از سرنگونی یك نظام اجتماعی كهنه و فرسوده و جایگزین كردن آن با نظام اجتماعی نو و مترقی .مثال بزنیم :انقلاب كبیر فرانسه كه نزدیك به دویست سال قبل روی داد یك انقلاب بورژوایی بود .زیرا نظام فئودالی فرسوده ومظهر آن سلطنت بورپون ها را از بین برد و نظام سرمایه داری را كه در آن زمان نو و مترقی بود جایگزین آن ساخت . انقلاب مشروطه ایران یك انقلاب بورژوایی بود زیرا اگر چه نا تمام ماند و به پیروزی كامل نرسید ولی به بساط فعال استبدادی سلطنت و به اساس خانخانی و فاسد قاجار ضربات جدی زد و راه را برای رشد جامعه و شركت توده مردم در تعیین سرنوشت مملكت باز كرد.

### ( Humanisme) اومانيسم

اومانیسم یعنی سیستم عقایدی که وجه مشخصه آن رواج انسان دوستی و علاقه به سعادت نیکبختی بشر و احترام به شخصیت و مناعت انسانی است .از نظر تاریخی چنین سیستم تفکری در قرون ۱۴ و ۱۴ میلادی به مثابه یک نهضت اجتماعی و ادبی ظاهر شد که در عمل علیه ایدئولوژی فئودالی بود .این سیستم تفکر در آن زمان متعلق







به گروه محدود از روشنفکران بود که منعکس کننده مبارزه بورژوازی رشد یابنده بودند و می خواستند زنجیرهای اجتماعی و معنوی فئودالیسم را پاره کنند .

# (Boycottage) بایکوت

مقصود از آن یک اسلوب مبارزه سیاسی یا اقتصادی است که عبارتست از تحریم یا قطع هرچیز برای مثال میگویند کالاهای خارجی از سوی دولت بایکوت شد.

# پارلمان و مبارزه پارلمانی

پارلمان یعنی مجمع نمایندگان که وظیفه قانونگذاری را به عهده دارند .در ایران و ترکیه آن را مجلس، در ایالات متحده و برخی کشورهای آمریکای لاتین آن را کنگره می نامند .در برخی کشورها پارلمان مرکب از دو مجمع است مثل شورا و سنا، مجلس اعیان یا لردها و مجلس عوام یا نمایندگان .قاعدتًا اعضای پارلمان انتخابی هستند یعنی از طرف مردم و به آرای آن ها برای تشکیل قوه مقننه و تدوین قوانین برگزیده می شوند .در برخی موارد آن ها را انتصاب میکنند .

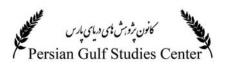
#### ياسيفيسم

پاسیفیسم از واژه لاتینی به معنای صلح و آرامش مشتق است و به معنای طرفداری از صلح و آرامش استعمال می شود. پاسیفیسم یك جریان لیبرال منشانه است كه نمایندگان آن علیه هر گونه جنگی هستند و معتقدند كه با تبلیغ و موعظه میتوان آشتی عمومی ایجاد كرد .اگر چه در زمان ما با تشدید خطر جنگ افروزی محافل امپریالیستی پاسیفیست ها نیز فعالانه در اقدامات مختلف صلح جویانه شركت می كنند وسهمی اغلب شایسته در بیان خواست مردم علیه نقشه های جنگ طلبانه ایفا می كنند ولی در عین حال پاسیفیسمن در اصل وسیله ای برای تخدیر و منحرف كردن توده ها از مبارزه فعال علیه جنگ های امپریالیستی بوده و در گذشته بارها از آن برای فریب توده ها و پنهان كردن ریشه و علل جنگ و تداركات نظامی امپریالیستی استفاده شده است.

(Propagande et agitation ) پروپاکاند و آژیتاسیون

آژیتاسیون یعنی وسیله تاثیر سیاسی در توده ها از طریق گفتگو، سخنرانی، نطق و میتینگ، جراید، کتب و رسالات،







اوراق، رادیو، سینما، تلویزیون و غیره در برخی موارد آن را فعالیت تبلیغی یا تنویری برای تفهیم عقاید ونظریات سیاسی خود در توده ها نامیده اند برای آژیتاسیون یا تبلیغ نظریات البته از وسائل متنوع و مهمی نظیر مباحثه و نطق و تشکیل جلسات و میتینگ ها و همچنین وسائل سمعی و بصری و مطبوعات و غیره که نام بردیم استفاده می شود تا صحت نظریات سیاسی و مرام و روش خویش را ثابت کنیم و مردم را برای مبارزه در راه آن جلب نماییم .وجه مشخصه آژیتاسیون خصلت توده ای آنست، یعنی یک عمل سیاسی تبلیغی است که برای توده مردم و سیما صورت می گیرد و معمولا حیطه کوچکتری از افکار و مسائل حادتر یا مشخص تری را در بر می گیرد ولی هدف پخش و تبلیغ آن در بین عده هر چه بیشتری است.

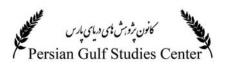
# (Protectorat) تحت الحمايه

یکی از اشکال استعمارست .از نظر لغوی به معنای حمایت و پشتیبانی یک دولت بزرگ و نیرومند از یک دولت کوچک و ضعیف است .در حقیقت دول امپریالیستی به زور، به نیروی ارتش خود با قدرت اقتصادی خود نظام تحت الحمایگی پروتکتوز را بر کشور کوچک تحویل می کنند، آن را زیر سیطره خود می گیرند و در عمل مبدل به مستعمره می کنند .در خلیج فارس نمونه های بسیاری از این سرزمین ها مانند کویت و امارات و قطر و بحرین است که امپریالیسم انگلستان به نام تحت الحمایگی سلطهکامل خود را در آنجا برقرار نموده، عمال دست نشانده خود را بر سریر حکومت نشانده و با یک سلسله قراردادهای نابرابر و تحمیلی زنجیر اسارت را محکم کرده است .

### جنگ (War)

جنگ یعنی مبارزه مسلحانه بین کشورها یا بین طبقات که به خاطر اجرای هدف های سیاسی و اقتصادی صورت می گیرد. جنگ یك پدیده اجتماعی تاریخی است .یعنی در جامعه بشری در مرحله معینی از تكامل تاریخ به وجود آمد و وابسته به شرایط گذرای حیات اجتماعی بوده و در مرحله معینی از تكامل تاریخ، از حیات بشری حذف می گردد .از نظر تاریخی لزوم ایجاد نخستین دسته های مسلح یا ارتش هم زمان با پیدایش مالکیت فردی و پیدایش طبقات و دولت پدید گشت و آن هنگام در جوامع منقسم به طبقات، جنگ به طور عمده به وسیله ای برای تحکیم تسلط طبقات استعماری قدرتمند و اشغال سرزمین های غیر و سیطره جویی بر سایر مردم بدل شد.







#### حزب

حزب عبارتست از یك سازمان سیاسی که در آن همفکران و طرفداران یك آرمان داوطلبانه گرد می آیند و علی القاعده آگاه ترین عناصر یك طبقه یا قشار اجتماعی متحد المنافع را گرد می آورد، بیانگر منافع آن طبقه یا قشر بوده و آن را مبارزات اجتماعی ر هبری می نمایند.

# ( Dogmatisme )دگماتیسم

از واژه دگم به معنای حکم جامد آیه آسمانی، فرمان لایتغیر مشتق است و به آن شیوه و اسلوب تفکر اطلاق می شود که پایه آن مفاهیم تغییر ناپذیر، فرمول ها و دستورهای متحجر بدون توجه به دستاوردهای تازه علم و عمل، بدون توجه به شرایط مشخص زمان و مکان است .از نظر فلسفی دگماتیسم اصل مشخص بودن حقیقت یعنی وابستگی حقیقت را به شرایط زمانی ومکانی نفی می کند .در فلسفه معاصر، دگماتیسم وابسته به اسالیب ضد دیالکتیکی است که تکامل و تحرك جهان و رشد اشیاء و پدیده ها را نفی می کند. یکی از علل دگماتیسم عدم درك این نکته است که قوانین دیالکتیك رشد، در شرایط مختلف تاریخی، در اشیاء و پروسه های مختلف، به صور مختلف ظاهر شده و عمل می كند.

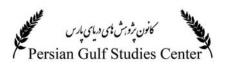
# ( Democratie )دمکراسی

دمکراسی از واژه یونانی دموس یعنی خلق ، مردم (و کراتوس) یعنی حاکمیت، قدرت مشتق است دمکراسی یکی از انواع حاکمیت بوده و وجه مشخص آن اعلام رسمی اصل تبعیت اقلیت از اکثریت و به رسمیت شناختن آزادی و حقوق مساوی افراد و اتباع است.

# (Government) دولت

دولت سازمان سیاسی جامعه و مهم ترین وسیله برای تامین تسلط طبقه ایست که از نظر اقتصادی در جامعه نقش حاکم دارد .وظیفه اساسی دولت حفظ و تحکیم آن نظام اقتصادی و دفاع از آن طبقه ایست که زاییده آن بوده است .از نظر تاریخی دولت هم زمان با پیدایش جوامع منقسم به طبقات به وجود آمد.







# ( Radicalisme ) رادیکالیسم

رادیکال در لغت به معنای اساسی بنیادی و ریشه ایست رادیکالیسم در مفهوم عام به معنای مشی کسانیست که طرفدار اقدامات قطعی و جدی هستند .

# ( Reforme )رفرم

رفرم که به فارسی آن را اصلاح و اغلب به صورت جمع اصلاحات می گویند اقداماتی است که برای تغییر و تعویض برخی از جنبه های حیات اقتصادی واجتماعی و سیاسی صورت می گیرد بدون آن که بنیاد جامعه را دگرگون سازد . از این قبیل است رفرم اراضی، رفرم اداری، رفرم آموزشی، رفرم بازرگانی، رفرم انتخاباتی و غیره.

# ( Fascisme ) فاشیسم

معنای علمی این واژه عبارتست از نظام دیکتاتوری متکی به اعمال زور و ترور آشکار که توسط ارتجاعی ترین و متجاوز ترین محافل امپریالیستی مستقر می شود فاشیسم از طرف سرمایه انحصاری پشتیبانی می شود و هدف آن حفظ نظام های دیکتاتوری است ، در هنگامی که حکومت به شیوه های متعارفی امکان پذیر نباشد .حکومت فاشیستی کلیه حقوق و آزادی های دموکراتیک را در کشور از بین می برد و سیاست خود را معمولا در لفافه ای از تئوری ها و تبلیغات مبتنی بر تعصب ات می پوشاند.

# (Culture )فرهنگ

فرهنگ عبارتست از مجموعه ارزش های مادی و معنوی جامعه بشری که در جریان فعالیت اجتماعی تاریخی آن ایجاد شده است فرهنگ فعالیت خلاق انسان ها را برای بوجود آوردن این ارزش ها و نحوه کسب و انتقال آن ها را نیز در بر می گیرد فرهنگ دارای دو جانب به هم پیوسته است فرهنگ مادی و فرهنگ معنوی.